"حتی اگر شب باشد!" عنوان گفتگوی است با آقای حبیب الله مرادی مدیر واحد پذیرش و حمایتهای اجتماعی
"حتی اگر شب باشد!"

ادبیات آرمان شهری همان بیان دغدغه های سالیان دراز زندگی آدمی در دست یازیدن به آرزوهای محال بوده است. ادبیاتی که نویسنده با تشریح ماجرای سفر دور و دراز و تخیلی قهرمان از آرزوهای خود و آنگونه که دنیای وی می باید  بود سخن می گوید. اما از جمهوریت، نخستین اثر آرمان شهری، افلاطون گرفته تا فضای شرقی مجمع دیوانگان صنعتی زاده و غروب پروانه ی (ئێوارە ی پروانە) بختیار علی هیچ گاه چنین دنیایی محقق نشد و تمام تلاش های وی در اجرایی نمودن آن نتیجه‌ای جز آنچه که با عنوان نسل تباه شناخته شده است در پی نداشت.

در ظاهر ادبیات ما، دیستوپیایی وجود ندارد چون میلی بر بیان بیشتر خراب آبادی که ساخته‌ایم نیست. اما کسانی معتقدند که دنیایی در ماورای هستی و سرزمینی دوردست وجود ندارد و همین دنیا را باید ساخت. کسانی که منتظر نمی مانند تا حتما شرایط خاصی پیش بیاید و دست به کار شوند بالاخره باید از جایی شروع کرد و برای این کار نیازی نیست که توشه‌ی سفر بردارند و عازم سرزمین های دوردست شوند یا در جست و جوی مامنی در کوهستان باشند. از نظر آنها برای طرد شدن از جامعه لازم نیست که حتما اهل بصری و سرچنار باشی. تفکر حاکم بر جامعه خود به خود تو را طرد خواهد کرد و تو احساسش نمی کنی مگر آنکه جزئی از آن باشی.

موسسه‌ی خیریه‌ی هیوای ژیان یکی از ده ها موسسه‌ی خیریه‌ی فعال در شهر سنندج است که از  سال 1387 فعالیت رسمی خود را آغاز نمود. این گفت و گو به بهانه‌ی برگزاری نخستین همایش تقدیر از محصلان تحت پوشش با حبیب الله مرادی، مدیر واحد پذیرش و حمایت های اجتماعی این موسسه، صورت گرفته است.

هیوای ژیان به کجا رسیده است؟

این کار از یک حرکت کوچک و از دفتری اجاره‌ای در پاساژ حبیبی شهر سنندج شروع و کم کم گسترش پیدا کرد و حالا که شش سال از فعالیت آن می گذرد حدود شصت کارمند افتخاری و نیمه افتخاری با آن همکاری دارند و هم اکنون 136 خانواده‌ی یتیم، شانزده دانش آموز، و هفت دانشجو بی بضاعت را تحت پوشش دارد.  لطفا در مورد نحوه‌ی شناسایی خانواده‌ها برایمان صحبت کنید.

اکنون که موسسه نام و نشانی یافته است خانواده‌ها خود مراجعه کرده و یا خیرین کسانی را معرفی می کنند. البته این بدان معنی نیست که افراد مورد نظر فورا پذیرش می شوند. ابتدا نام و مشخصات آنها در ریز برنامه‌ها قرار می گیرد و سپس به بازدید و جمع آوری اطلاعاتی از آنها می پردازیم. اگر بحث خانواده‌ی ایتام در میان باشد فقط یک جلسه کافی است. اما اگر دانش-آموز و دانشجوی ممتاز باشد جلسه‌ی پذیرش، متشکل از هفت نفر از واحدهای مختلف، برای تصمیم گیری در مورد آنها تشکیل می گردد. در این جلسه مقدار کمک تعیین خواهد شد و اینکه آیا آنها ممتاز هستند یا خیر. در صورت تایید، پرونده وارد جلسه‌ی هئیت مدیره می شود و اگر آنجا هم تایید شد با توجه به قوانین و فرم های موجود مقدار مشخصی به طور ماهیانه به حساب آنها واریز می گردد.  تمرکز موسسه از سال گذشته به کودکان بی سرپرست تغییر یافت علت این امر چه بود؟

قبلا موسسه بر گروه هدف مشخصی تمرکز نداشت و تا پاییز سال گذشته خدمات خود را معطوف هر قشری- یتیم، بی سرپرست، بدسرپرست، خانواده‌های طلاق، پیر، و از کارافتاده- می نمود. اما پس از مدتی با چالش های جدی روبرو شدیم. عدم تطابق و همخوانی خانواده های پیر و از کار افتاده با خانواده‌های جوان علت این امر بود. و نهایتا از مهر سال گذشته پس از یک بازنگری کلی گروه هدف به خانواده های یتیم با سرپرست مادر و دانش آموزان و دانشجویان بی بضاعت ممتاز اعم از یتیم و غیریتیم یا فرزندان طلاق تقلیل یافت. خارج از این موارد، مگر مورد حادی باشد و گرنه دخالتی نمی کنیم.  احساس نمی کنید که اگر موسسات خیریه در هر شهر تحت نظارت سازمان یا تشکل خاصی قرار بگیرند و به هرکدام وظیفه‌ای خاصی محول گردد بهتر خواهد بود، اینگونه مراجعان هم دربدر موسسات خیریه که در شهری مثل سنندج اکثرا بر بی سرپرستان تمرکز دارند نمی شوند؟

برای سازمان دهی این موسسات کارهایی انجام شده است. در سال گذشته خانه‌ی خیرین با هدف تفکیک مسئولیت خیریه‌ها تشکیل شد تا هرکدام در بخش خاصی فعالیت کنند، یکی بی-سرپرست، دیگری کودکان خیابانی، و اینکه همه بر گروه خاصی تمرکز نداشته باشند.  اما با گذشت یک سال تحولی احساس نمی شود؟

به این سادگی ها هم نیست. هماهنگ سازی خیریه‌ها کار دشواری است و نیاز به درایت و تدبیر فراوان دارد. از سوی دیگر برخی از خیریه‌ها فوق العاده فعال و برخی فعالیت محدودی دارند و همه یک دست و یک شکل نیستند. اطلاع دارم که جلساتی تشکیل شده است ولی فعلا نتیجه‌ی عینی مشاهده نمی شود.

هیوای ژیان نخستین موسسه ی خیریه ی غرب کشور بود که موفق به دریافت گواهینامه‌ی iso9001 شد. در این باره توضیح می دهید.

همانطور که اطلاع دارید این گواهی نامه ی مدیریت کیفیت است و روال خاص خود را دارد. در ابتدا با توجه به موقعیت و وضعیت موسسه و براساس اصول و چهارچوب های iso9001 طراحی و بومی سازی صورت گرفت و سپس اجرا و پیاده‌سازی شد. تمامی معیارهای خاصiso9001 در آن رعایت شد و برای هر یک از آنها مستنداتی کامل ایجاد و موفق به کسب گواهینامه شدیم. البته این به معنای پایان کار نیست و موسسه هرسال موردبازبینی مجدد قرار گرفته و در صورت مشاهده ی عدم پایبندی به اصول، گواهینامه لغو خواهد شد.  به نظر شما ضعف موسسه در حال حاضر در کجاست؟

محال است که کاری را شروع کرد و ضعفی نداشت. اگر کاری ضعف نداشته باشد امیدی هم به پیشرفت آن نیست. تمام تلاش ما در راستای از میان

برداشتن ضعف ها است. گاها هم ضعف ها شناسایی نشده‌اند و چون شناسایی نشده‌اند نمی توان گفت که وجود ندارند. چه چیز سبب فعالیت بیشتر شما می شود؟

انگیزه‌ی درونی. انسان ذاتا موجودی منفعت طلب است، منفعت مادی یا معنوی، رسیدن به آرامش، یا دینی که نسبت به جامعه‌ی خود احساس می کند و این به خود تو بر می گردد، به اعتقادی که شخص دارد! اگر این انگیزه نباشد محال است که در این شرایط فعلی، کاری عظیم را انجام داد آیا شخصی الگوی این کار خیر شما بوده است؟ و یااینکه انگیزه خدمت در چنین جایگاه و مکانی را چه کسی یا کسانی در شما ایجاد کرده است؟

آقای سیدزاده که جزو بنیانگذاران موسسه هستند و کل زندگی خود را وقف موسسه کرده اند. تا به حال پیش آمده احساس کنید که دیگر خسته شده‌اید؟

گاها که حجم کارها زیاد بوده و یا مشکلاتی در حین کار پیش می آید به خود می گویم که دیگر نمی توانم، چرا این مسئولیت سنگین را قبول کرده ام؟ اما بازهم ندای درونم می گوید نه. به هرحال هر شخصی ظرفیتی از لحاظ توانمندی و احساسات دارد. خصوصا در واحد تحت مدیریت من که در ارتباط مستقیم با خانواده‌ها و غم و غصه‌هایشان قرار داریم و بعضی مواقع پیش می آید که نمی توانیم کمکی کنیم. آیا تورم سال های اخیر از میزان مشارکت مردمی نکاسته است؟

پس از موج تورمیک، خصوصا از پاییز گذشته، یک بحران روانی ایجاد شد و بر میزان مشارکت هم تاثیر گذاشت اما خوشبختانه با تدابیر بخش مشارکت و فعالیت های بیشتر اعم از جذب خیرین بیشتر این مشکل تا حدی جبران گردید. اما تا جایی که به بخش ما در ارتباط است می-توان گفت که متاسفانه پس از تورم درخواست کمک از ما فوق العاده افزایش یافته و افراد زیادی که قبلا در محدوده‌ی فقیر به حساب نمی آمدند از ما تقاضای کمک می کنند. علی رغم رشد روزافزون موسسات خیریه همچنان با افزایش تکدی گری در گوشه و کنار خیابان مواجهیم و یا روزی نیست که در خانه‌ای زده نشود؟

فلسفه‌ی وجودی موسسات خیریه دقیقا بر این محور گذاشته شده است: جلوگیری از تکدی گری. اما تازمانی که مردم دخالت مستقیمی در این کار داشته باشند وضع بر همین منوال باقی می-ماند. بهر حال تا جائی که به ما ارتباط داشته باشد اگر ببینیم که خانواده‌ها کوچکترین حرکتی در این زمینه انجام می دهند فورا مستمری آنها را قطع می کنیم. رویکرد اصلی موسسه ی هیوای ژیان آن است که سطح فرهنگ و مناعت طبع خانواده‌ها را افزایش دهد تا به آن سمت-ها کشیده نشوند. حداقل هر سه ماه یک بار تمامی پرونده‌ها را بازبینی می کنیم، حتی همه را به اسم می شناسیم. خوشبختانه در موسسه کسانی هم بوده‌اند که خودشان مراجعه کرده و اظهار می دارند که دیگر نیازی به حمایت ما نیست یا حقوق بازنشستگی یکی که با مشکل مواجه بوده برطرف شده و خودش مراجعه می کند و تقاضای حذف از لیست مددجویان دارد. منکر آن نیستیم که عوامل مختلفی بر شخصیت و کردار فرد تاثیر گذارند اما می توان گفت که موسسه در این امر بی تاثیر نبوده است. یکی از روش های جمع آوری کمک های شما صندوق است. تا به حال مشکلی پیش نیامده مثلا دزدی از آنها؟

گاها مواردی پیش آمده، در معابر، مغازه‌ها، و مساجد، که متاسفانه معمولا کار تعدادی معتاد است و کاری هم نمی توان کرد. اسکناس کهنه بالای جان برخی خیریه‌ها شده است. اسکناس هایی که حتی بانک ها هم حاضر به تعویض آنها نیستند و آنها مجبور به اسکناس سوزی می شوند. با چنین مواردی برخورد داشته‌اید؟

نه خوشبختانه تا بحال مورد حادی نداشته‌ایم. بحث لباس کهنه. گاها دیده می شود که لباس های غیرقابل استفاده به موسسات خیریه آورده می شوند. از مردم نمی خواهید که لااقل لباس نو بیاورند؟

این خواست درونی ماست که آنها لباس نو اهدا کنند اما با حذف اهدای لباس های کهنه جلوی موارد خوب هم گرفته می شود و باور کنید که لباس های کهنه‌ای که امسال اهدا شدند خانواده‌های زیادی را نجات داد خصوصا که این روزها قیمت پوشاک گران تر هم شده است. به هرحال خوب و بد در کنار هم وجود دارند. موسسه زمانی اعلام کرده بود که دیگر لباس را نمی پذیرند اما براساس نیاز مجددا این بخش را احیا شد و اکنون ضمن تشکر از خیر، تک تک لباس ها را بررسی و لباس ها ی قابل استفاده را جدا می کنیم. هزینه‌های شما را خیرین تامین می کنند، واهمه‌ای از این ندارید که اگر اتفاقی بیفتد چه می-کنید؟

خیرین ما ثابت و متغییر هستند. یک نفر در بخش توجیه موسسه فعالیت می کند و وظیفه ی او جذب خیرین جدید یا افزایش مقدار کمک شده است. تحصیل داران هم سر هر ماه مقدار تعهددداده شده‌ی هر خیر را از او تحویل می گیرند و اگر چنین موردی مشاهده شود فورا گزارش داده شده و ما فورا چاره جویی میکنیم. گاها پیش آمده است که خیر انصرف داده و یا قصد خداحافظی و خواهان خارج شدن از مجموعه را داشته باشد. به نظر شما راه اندازی سایت تاثیری بر میزان مشارکت هم داشته است؟

خوشبختانه راه اندازی سایت موسسه در معرفی بیشتر و جذب خیرین بخصوص خارج از سنندج، بسیار مفید بوده است.

یکی از اقدامات متفاوتی که واحد IT در بخش جذب مشارکت و حل مشکل مددجویان از طریق وب سایت موسسه انجام داد، فعال کردن بخشی با عنوان "پرونده ویژه" بود. یکی از پرونده های ویژه ای که در این زمینه بسیار موفق بود، پرونده حمایت از پسربچه ای بنام بشیر بود که دچار بیماری نیلسون( دفع مس از کبد) بود که خوشبختانه در یک دوره زمانی 45 روز بیش از 110 میلیون ریال از این طریق برای وی جمع آوری شد.

ما بنا داریم که در آینده این بخش را به صورت ویژه پیگیری نمائیم تا خیرین از نزدیک با مشکلات مددجویان تحت پوشش موسسه ارتباط داشته و مستقیم به فرد موردنظر خود کمک نقدی و غیرنقدی خود را اهدا کنند. اما ارائه‌ی طرح هایی از طریق دنیای مجازی نیازمند کار شبانه‌روزی است. بیشترین تمرکز موسسه بر کدام بخش قرار دارد؟

بیشترین تمرکز موسسه بر آموزش قرار دارد و هدف ما آن است که اگر زمانی موسسه با یک برند خاص شناخته شد آن برند آموزش باشد. چون ما معتقدیم که تنها چیزی که قادر به ریشه‌کن کردن فقر می شود آن است که نسل آینده از هرنظر بخصوص فرهنگی و آموزشی فقیر نباشند. از این رو باید

برای کسانی سرمایه‌گذاری کرد که قادر به ایجاد تغییر در آنها باشیم.  فکر نمی کنید که اگر بر روی کارآفرینی تمرکز کنید خیلی زود خانواده‌ها را از وابستگی به خود رها ساخته‌اید؟

موسسه از چهار بخش حمایتی آموزش خانواده ها، مددکاری، کارآفرینی، و پزشکی تشکیل شده است. کارآفرینی از سال گذشته تاکنون برای یازده نفر کارخانگی ایجاد کرده و بزرگترین این کمک ها راه ا ندازی دو باب مغازه و مابقی قالی و پولیش کردن و... بوده است.  منظور من فروش کالایی خاصی مثلا تقویم های سال نو که بسیاری از موسسات خیریه انجام می دهند و یا برپایی فروشگاهی مثل فروشگاه زندانیان سه راه شریف  آباد که مثلا افراد تحت پوش صنایع دستی خود را در آن به فروش برسانند. عواید این کار در نهایت به خود شما هم باز می گردد؟

در صورتیکه مددجویان خواهان کار باشند از آنها حمایت نموده و برای آنها کار خانگی راه اندازی می کنیم. این نوع مشاغل چون کم هزینه‌ترند و طرف حساب ما اکثرا خانم ها هستند امکان اجرا وجود دارد ولی اگر منظور شما این باشد که موسسه راسا کار ایجاد کند چنین امکاناتی نداریم اما بنا داریم در آینده با توسعه مشاغل خانگی راه را برای خودکفائی مددجویان فراهم کنیم. در این راه می بایست هنرمندان و صنعتگران بخصوص صنایع دستی با اختصاص وقت خود جهت آموزش به مددجویان برای نیل به این هدف به کمک موسسه بیایند.  چقدر سعی می کنید که با مردم همدل باشید- حتی اگر قادر به کمک کردن به آنها نباشید؟

هدف اصلی ما التیام بخشیدن به زخم های خانواده‌های تحت پوشش است. اما حداقل کمک ما به سایر مراجعان همدلی با آنها است و حتی با وجود عدم توانایی در یاری رساندن به طور محترمانه‌ای آنها را بدرقه می کنیم. یکی از بخش های iso چگونگی برخورد با مراجع است و حتی کلاس های مختلفی  هم برای بخش مددکاری برگزار شده تا این بخش پررنگ تر شود.  چقدر سعی می کنید تا حرمت افراد حفظ  شود؟

هیوای ژیان حفظ کرامت انسانی را در سرلوحه‌ی کارهای خود قرار داده و معتقد است که سطح فرهنگ خانواده‌ها با برخورد مناسب و نحوه‌ی کاری که آنها عملا از ما می بیند ارتقاء می یابد. برای اثبات این ادعا می توان گفت که ما مطلقا از مردم و همسایگان پرس و جو نمی کنیم. از خود خانواده می پرسیم اگر دروغی هم گفته باشند در مراجعات مستمر آشکار می گردد. به نحوی رفتار خواهیم کرد که خودشان متوجه شوند. حتی آشنا و همسایه خبردار نمی شود که آیا آن فرد کمک می گیرد یا خیر.

تا الان موردی پیش آمده که بیش از حد تحت تاثیر فردی قرار گرفته و نتوانسته باشید کمکی به وی کنید ؟

در اوایل مهر مدیر یکی از مدارس کودکی را به ما معرفی کرد که مشکلات استخوانی داشت ما کمکش کردیم و همه چیز فراموش شد تا همین چند روز پیش که دوباره مادرش به موسسه مراجعه نمود و به بیان مشکلاتی از زندگی خود پرداخت. با تمام وجود دلم به حالش سوخت- علی رغم آنکه من به ندرت تحت تاثیر قرار می گیرم و منطقم بر احساسم غالب است.  چون کودک پدر داشت طبق قانون موسسه قادر به تحت پوشش قرار دادنش نبودیم. پدر او سرحال و جوان است اما کم درآمد به هر دلیلی- کم کاری  یا  معضلات اجتماعی. رنج های او بسیار واقعی و ملموس بودند و ما نمی توانستیم کمکش کنیم.

بیشتر توضیح می دهید.

پدر بی خیال و شغل کم درآمدی داشت. دختر فوق العاده لاغر، نحیف و حتی بیمار بود. نخستین چیزی که به ذهن هر انسانی خطور می کند مسئله‌ی تغذیه ی او است. آیا موسسه چگونه می-توانست تغذیه‌ی او را تامین کند در حالی که خودش پدر دارد و او اقدامی در این زمینه نمی-کند؟ ترویج تن پروری جزء اهداف موسسه نیست اگر دخالت می کردیم فلسفه‌ی وجودی موسسه زیر سئوال می رفت. چاره‌ای هم نبود نمی توانستیم که پدر را به حرکتی واداریم. در مواردی که پدر و مادر هر دو معتاد یا پدر و مادر بدسرپرست باشند وضعیت بدتر می شود. و چرا مثل کشورهای دیگر جایی وجود ندارد که حضانت این کودکان را از والدین آنها بگیرد در حالیکه آنها لیاقت سرپرستی وی را ندارند، نهادی که به راحتی مداخله کند و مامنی برای این زن و و کودک بسازد. این کودک هیچ گناهی ندارد. مددکاری کار سختی است و اگر شخص رفتار حرفه‌ای و دلسوزانه ای نداشته باشد زود انگیزه خود را از دست خواهد داد.

شما چهار سال است که اینجا کار می کنید چقدر فکر می کنید که رویایتان تحقق یافته است و به بیراهه نرفته اید؟

اجازه دهید که جواب سوالتان را اینگونه بدهم. شهر سنندج با هیوای ژیان و این شهر بدون هیوای ژیان. اگر منصفانه به قضیه نگاه کنیم جواب آشکار است. بدون هیوای ژیان این افراد بدنبال مامن و سرپناه دیگری خواهند رفت. در پاسخ به سوال دیگرتان هم می توانم بگویم که به نظر من هیوای ژیان باید بهتر از این باشد و ما به تدریج به سوی این هدف در حرکتیم.  چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟

بر طبق اصول iso هر ساله یک هدف کلی تعریف می  گردد. از این رو شاخص های کلی به منظور پایش نتایج و تعیین میزان پیشرفت، هر چند ماه یک  بار، تعیین می گردد. البته برای پاسخ-گویی به این هدف نیز باید در اهداف هر یک از بخش ها دقیق تر شویم و ببینیم که مسئول هر بخش چه هدفی را در نظر گرفته است. ولی در کل می توان گفت که هدف اصلی هیوای ژیان تبدیل شدن به یک برندی است که با آن شناخته شود، منظورم آموزش است. چون فرزندان این خانواده‌ها آسیب پذیرترند و این بخش بر خانواده‌ها و نسل آینده تاثیرگذارتر خواهد بود.  از برگزاری همایشی که جدیدا برگزار کردید بگوئید. ایده‌ی آن از کجا شکل گرفت؟

نام همایش "تقدیر از دانش آموزان و دانش جویان برتر" ی است که تحت پوشش موسسه قرار دارند. قبلا جوایزی به هر یک از آنان اهدا می شد اما احساس کردیم که تاثیرگذار نبوده است. پیشنهاد شد که این بار در قالب همایشی این کار صورت گیرد و اگر موفقیت آمیز بود سالی دو بار یعنی پس از امتحانات خرداد و دی این کار تکرار گردد. این همایش با حضور خیرین وخانواده‌هایی که فرزند محصل داشتند برگزار  شد. برنامه‌ها نیز شامل اهدای جوایز،

سخنرانی آقای سیدزاده از بانیان موسسه، سخنرانی سه تن از دانشجویان، سخنرانی دکتر شیرزاد سیفی به عنوان سخنران اصلی در مورد امید به زندگی، و اجرای موسیقی گروهی از دانش آموزان دبیرستان نمونه‌ی امام شافعی بود و از همین جا از آنها خصوصا جناب آقای بهمنی و عطایی-پور تشکر می کنم.

سخن آخر

امیدواریم که در آینده خود دانشجویان تحت پوشش، این موسسه را اداره کنند.

جناب آقای مرادی از همکاری و وقتی که در اختیار ما قرار دادیداز شما بسیار سپاس گذارم.